خبر

اظهار تأسف آیت‌الله‌العظمی صافی‌گلپایگانی از اختلاس‌ها

● صبح روز هفتم رجب‌المرجب ۱۴۴۰ وزیر صنعت، معدن و تجارت و هیئت همراه با حضور در بیت مرجع عالی‌قدر حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی‌گلپایگانی مدظله الوارف با ایشان دیدار کردند و از توصیه‌های معظم‌له بهره‌مند شدند. در ابتدای دیدار، دکتر رحمانی، گزارشی از سفر رئیس‌جمهور و هیئت همراه به عتبات عالیات و نیز برنامه‌های این وزارتخانه ارائه داد. معظم‌له نیز با تقدیر و تشکر از ایشان و مسئلت قبولی زیارت هیئت ایرانی، فرمودند: بنده از اینکه هیئت جمهوری اسلامی به عراق سفر کردند بسیار خوشحال شدم. الحمدلله سفر بسیار موفق و لازمی بود که در این شرایط و اوضاع باید انجام می‌شد. معظم‌له فرمودند: اخباری که انسان راجب اختلاس‌ها و دزدی‌هایی که در نظام اقتصادی کشور می‌شود را می‌شنود بسیار ناراحت‌کننده و تعجب‌آور است و در شأن نظام جمهوری اسلامی و مردم بزرگوار ایران نیست.

خبر ویژه

اختتامیه جشنواره چهره سال ۹۷ راه و ساختمان

● ششمین جشنواره چهره سال ۹۷ راه و ساختمان به همت مجتمع رسانه‌ای راه و ساختمان و با معرفی ۱۱ چهره منتخب در شش گروه شامل شهرداری‌ها، شهرداری‌های مناطق ۲۲گانه تهران، راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای، رؤسای سازمان نظام‌مهندسی ساختمان، مدیران وزارت راه و شهرسازی و شرکت عمران شهرهای جدید ۲۰ اسفند در هتل اسپیناس پالاس تهران برگزار شد. به گزارش دبیرخانه جشنواره چهره سال ۹۷ راه و ساختمان، در این مراسم جمعی از مسئولان و مدیران نهادهای مذکور و مرتبط با حوزه صنعت راه و ساختمان کشور حضور داشتند. در ابتدای این مراسم احمد خرم، وزیر سابق راه و ترابری ضمن تقدیر از ارج گذاشتن به تلاش برخی از مسئولانی که به‌عنوان چهره سال ۹۷ صنعت راه و ساختمان انتخاب شده‌اند، گفت: درحال‌حاضر در بین جامعه تحصیل‌کرده کشور، بی‌بهره‌ترین قشر، قشر مهندسی در هفت رشته ساختمان است. خرم با ابراز تأسف از اینکه از بین ۶۰۰ هزار نفر مهندس در هفت رشته مهندسی، بیش از ۴۵۰ هزار نفر از مهندسان در رشته خود کار نمی‌کنند یا بی‌کار هستند، از بی‌برنامگی دولت برای اشتغال جامعه مهندسین کشور انتقاد کرد.

کمال اطهاری در گفت‌وگو با «شرق» واکنش نظام تصمیم‌گیری در برخورد با فساد را ارزیابی کرد

تله مبارزه با فساد

مرضیه امیری: اعداد شماره می‌اندازد و رکورد ثبت می‌کنند؛ روزی اختلاس سه‌هزارمیلیاردتومانی خبرساز بود و امروز از فساد ۶،۶میلیاردیورویی صحبت می‌شود. هر پرونده‌ای که باز می‌شود، اعداد و ارقام قبلی را «اندک» نشان می‌دهد. مبالغ میلیاردی در جریان توزیع ارزهای دولتی گم می‌شود و هر روز یک دادگاه برگزار می‌شود؛ روزی دادگاه سلطان سکه و روزی پتروشیمی‌ها. این خلاصه‌ای از وضعیتی است که از آن به‌عنوان فساد گسترده نام می‌برند؛ فساد فراگیری که همه بخش‌های اقتصادی را کم‌وبیش درگیر کرده است؛ آن‌چنان که قوای سه‌گانه مبارزه با آن را در دستور کار خود قرار داده‌اند و البته روزانه خبرهایی از این اقدامات در خروجی رسانه‌ها قرار می‌گیرد. اما واکنش دولت و مجلس به‌عنوان ارکان اصلی نظام تصمیم‌گیری در برابر آن چه بوده است؟ این سؤال را از کمال اطهاری، اقتصاددان، پرسیده‌ایم و در گفت‌وگو با او بخشی از کارنامه یک سال اخیر فساد اقتصادی را مرور کرده‌ایم. اطهاری نظام اقتصادی ایران را نظامی نئوفئودالی می‌داند که انحصارگرایی و رانت‌جویی برای برخی را توجیه‌پذیر جلوه می‌دهد. او می‌گوید: «سیستم انحصاری مسلما در چنین ساختاری با وجود این قوانین نصفه‌ونیمه هم راهش را پیدا می‌کند، یا به صورت به‌ظاهر قانونی یا به صورت فراقانونی به تکرار فساد ادامه می‌دهد. در اینجا می‌توانیم از اصطلاح «دولت اسیر» برای توصیف وضعیت استفاده کنیم. در وضعیتی که فساد گسترده شده، دولت هم اسیر قانون‌گذاری رانت‌جویانه می‌شود. دیگر در اینجا فساد با قانون خود را تثبیت می‌کند». این‌گونه اقدامات را ما «تله» می‌نامیم؛ یعنی در تله‌ای گرفتار شده که نمی‌خواهد از انحصارات دست بردارد و برای همین دنبال اقدامات صوری و غیرساختاری حرکت می‌کند.

◣ مبارزه با فساد و ایجاد شفافیت ازجمله مواردی است که در دوره‌های مختلف بر آن تأکید شده است؛ هرکدام از قوای سه‌گانه از اهمیت آن می‌گویند و اقداماتی را در این مسیر انجام داده‌اند. نمونه‌های قانون و سیاست‌گذاری در این حوزه را می‌توان در چند مورد دید؛ برای مثال دولت با راه‌اندازی سامانه دسترسی به اطلاعات، امکان ثبت پرسش برای شهروندان را فراهم کرد، مجلس بحث ارائه حسابرسی و دخل‌وخرج شرکت‌های دولتی را در بودجه باز کرد و قوه قضائیه با برگزاری دادگاه‌های اخلالگران در نظام اقتصادی به صورت علنی در این مسیر گام برداشت. ارزیابی شما از عملکرد نظام تصمیم‌گیری دراین‌باره چیست؟ آیا قوانین و سیاست‌گذاری‌ها توانسته رو به تغییر وضعیت پیش برود یا ماهیت این واکنش‌ها نیز خود برایند ساختار موجود است؟

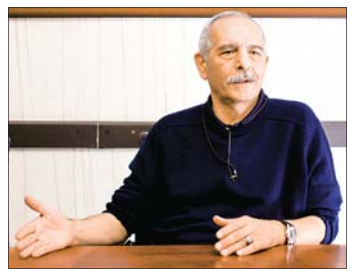

مقوله فساد برایند عملکرد نهادی و ساختاری در ایران است و این فساد را تا حدود زیادی نظام‌مند کرده است. به‌این‌ترتیب با وجود گذاشتن تعدادی قوانین سلبی و بگیروببندهایی که این روزها خیلی هم رایج شده و هرچند که لازم است، از آنجا که نهادها و ساختارها معیوب و کژکارکرد هستند، نتوانسته تغییری در این وضعیت ایجاد کند. گذراندن قانون هم نهادی است؛ نهاد در واقع مجرای روابط است و روابط تکرارشونده بشریت را ممکن می‌کند و قوانین، اخلاق و تمام روابط اجتماعی را دربر می‌گیرد. گذراندن چند قانون، همان‌طور که در چند دهه اخیر دیده‌ایم، برابر با تشکیل نهاد نیست. برای تشکیل نهاد و روابط تکرارشونده جامعه که به سوی توسعه پایدار گام بردارد، در درجه اول به یک مدل نیاز است؛ الگویی مشخص که هم از لحاظ نظری و هم عملی جامع باشد. بدون وجود این الگوی توسعه، تعدادی قوانین از سر گذرانده می‌شود که هم ناقص هستند و هم با یکدیگر هم‌افزا نمی‌شوند. اجازه دهید برای روشن‌شدن بحث، مثالی را مطرح کنم. زمانی که می‌خواهید هواپیمایی بومی بسازید، باید یک مدل کامل داشته باشید، وگرنه بدون مدلی کامل، بالی می‌سازید که با بدنه هواپیما متناسب نیست یا بخشی از هواپیما را نمی‌سازید؛ چون مدل کامل نیست. موضوع اساسی که دولت‌ها از آن غفلت می‌کنند، این است که مدل ندارند و در مقابل قانون می‌گذارند بدون اینکه این قوانین با یکدیگر همخوانی داشته باشد. این قوانین نه‌تنها ناقص هستند، بلکه خوانا و هم‌افزا نیز نیستند. بنابراین این تغییر ساختاری که از آن نام برده می‌شود، نمونه همان مسیری است که با شتاب سیاست تعدیل ساختاری را در دستور کار قرار داد و بسیار ناقص بود. بدون اینکه نهاد بازار ساخته شود و در آن رقابت برای نوآوری صورت بگیرد، به شکل افسارگسیخته‌ای به سمت آزادسازی قیمت حرکت کرد که نتیجه‌ای جز افزایش و تشدید رانت‌جویی نداشت. یا در دولت‌های قبلی (دولت نهم و دهم) به‌اصطلاح خواستند بازگشت داشته باشند و علیه سرمایه‌داری عمل کنند، اما در عمل وضعیت را بسیار بدتر از گذشته کرد. در دولت کنونی هم شرایط همان است؛ به‌هیچ‌وجه تکلیف خود را با توسعه نمی‌داند، بسیار ساده‌انگارانه با مسائل اقتصادی برخورد می‌کند و می‌توان به‌صراحت گفت اساسا تیم اقتصادی دولت فعلی به الگوی توسعه اعتقادی ندارد.

پس ما می‌بینیم نظام تصمیم‌گیری مجموعه قوانینی را از سر می‌گذراند که این مجموعه هم قوانین بیشتر سلبی است. گزاره اصلی در تمامی این قوانین این است: «این کارها را نکن وگرنه مجازات می‌شوی». خب این کفایت نمی‌کند. طبیعی است وقتی الگویی وجود نداشته باشد، تعدادی قوانین سلبی تصویب می‌شود و حتی در وجه سلبی آن هم جلوگیری از انحصارها وجود ندارد. به این ترتیب وقتی وجوه ایجابی هم در قانون از سویی و نهاد بازار رقابتی هم وجود ندارد، نظارت مردمی ممکن نیست، نه در حوزه کار و نه در حوزه سرمایه؛ یعنی ضدیت با اجتماعی‌شدن اقتصاد در این دولت یک فضیلت شمرده می‌شود. نه به تشکل‌های کارگری در مدیریت امکان مداخله می‌دهند و نه تشکل‌های مدنی سرمایه‌داران را دارید که بتوانند در تخصیص منابع سهیم باشند. برایند تمامی اینها، می‌شود «خود گویی و خود خندی». تعدادی قوانین برای مبارزه با فساد و ایجاد شفافیت تصویب و به اجرا گذاشته می‌شود که بعد از مدتی راه گذر از آن و رانت‌جویی را هم ایجاد می‌کند. سیستم انحصاری مسلما در چنین ساختاری با وجود این قوانین نصفه‌ونیمه هم راهش را پیدا می‌کند، یا به‌صورت به ظاهر قانونی یا به صورت فراقانونی به تکرار فساد ادامه می‌دهد. به اصطلاح این وضعیت را با نام «دولت اسیر» توضیح می‌دهند؛ در وضعیتی که فساد ساختارمند شده، دولت هم اسیر قانون‌گذاری رانت‌جویانه می‌شود. فساد با قانون خود را تثبیت می‌کند.

◣ تبلیغ حول تغییر وضعیت با ایجاد قانون برای مبارزه با فساد از چه منطقی پیروی می‌کند؟ قوانینی به تصویب می‌رسد که به گفته کارشناسان در مواردی مبهم هستند و از سویی در عرصه عمل هم یا به اجرا درنیامده یا اجرای ناقصی داشته‌اند.

گفتمان مسلط را شاید بتوان این‌طور توضیح داد که یک گفتمان ایدئولوژیک اولیه‌ای است که می‌گوید همه چیز را باید به بازار بسپاریم. ما معتقدیم باید از نهاد بازار برای تخصیص منابع استفاده کرد اما الگوی توسعه نحوه تخصیص منابع را مشخص می‌کند. چرا هر سال به اقتصاددانی جایزه نوبل داده می‌شود که نحوه استفاده از بازار را در توسعه مشخص کرده است؟ این ساده‌انگاری است که ما بازارسپاری را به عنوان الگوی توسعه و تخصیص بهینه منابع ببینیم اما این پارادایم و سرمشق دولت فعلی است. به همین خاطر است که برنامه ششم توسعه به احکام تقلیل پیدا کرد، احکامی که در چارچوب یک الگوی توسعه نمی‌گنجد. به‌عنوان مثال، درمورد توسعه اقتصاد دانش این مطرح است که کار دانش باید در دستور کار قرار بگیرد یا سرمایه دانش و چگونه اینها با هم مرتبط شوند. اروپا الگوی اساسی برای توسعه دانش خود را بر الگوی انباشت دانش پایه‌گذاری کرده و به همین دلیل هم هرچند دولت رفاه را محدود کرده اما دست از آن برنداشته است و نوسانات اقتصادی آن به همین دلیل کمتر از آمریکاست که سیستم مالی-راهبر در جریان است. یا این سیستم در کره‌جنوبی دولت توسعه است. اینها الگوهایی است که باید تبیین شود کدام‌یک از آنها برای ایران مناسب است و بر مبنای آن قوانین سلبی و ایجابی تدوین شود. وقتی نهادها رانت‌جویی را ممکن کنند، فعالان اقتصادی را به دزد تبدیل می‌کند، برای اینکه از نوآوری چیزی به دست نمی‌آوری اما نقره‌داغ می‌شوی و انواع و اقسام رانت‌جویی را قانون‌مند می‌کند.

◣ اگر بخواهیم منطق این گفتمان را در مسائل انضمامی جست‌وجو کنیم، می‌توانیم تجربه همین امسال را مرور کنیم. در یک سال اخیر ما از سویی شاهد فسادهای برآمده از درون خود نظام تصمیم‌گیری بودیم، نمونه آن در جریان ماجراهای تخلف ارزی در دستگاه‌های اجرائی و بعد بازداشت و برکناری مدیران و معاونان برخی وزارتخانه‌ها و بانک مرکزی ثبت شد و از سوی دیگر باز از درون خود دولت (با انتشار لیست‌های ارزی یا فهرست مدیران شستا) شاهد ادعای ایجاد شفافیت و علنی‌کردن بخشی از فساد بودیم. این روند چه بازتاب اجتماعی‌ای داشت؟ آیا مبارزه با فساد و ایجاد شفافیت در این مصادیق برای افکارعمومی می‌تواند باورپذیر باشد؟ و از آن طرف آیا واکنش دولت اساسا یک استراتژی برای مبارزه با فساد بود یا تعمیق درجه فساد به این واکنش‌ها منتهی شد؟

پاسخ به این سؤال بازهم ما را به تحلیل ساختار رهنمود می‌کند. واقعیت این است که به بازارسپاری جامعه بدون نهادها خود ایجاد فساد می‌کند. به قول داگلاس نورث همه در بازار منفعت‌جویانه عمل می‌کنند و به‌صورت مقدم این منفعت‌جویی به سوی رانت حرکت می‌کند. این یک رابطه منطقی است؛ مگر اینکه نهادهایی باشند که رابطه‌ای عقلانی و انگیزشی در جهت نوآوری شکل دهند. این کاملا انضمامی است. بازارسپاری بدون نهادهایی که نوآوری را عقلانی کند، به رانت می‌انجامد. هر کسی دنبال منفعت خود می‌رود اما انگیزه و پاداشی برای نوآوری ندارد. موضوع اساسی است. در این وضعیت یک طرف را می‌بندید، فساد به شکل عظیم‌تری از جای دیگر سر باز می‌کند. ابتدا بحث‌های میلیونی مطرح می‌شود و بعد پرونده‌های میلیاردی سر برمی‌آورد. دیگر عدد هر اختلاس و فساد شدت آن را بازنمایی می‌کند و هرکدام چنان رکورد قبلی را می‌زند که مورد قبلی را شوخی تلقی می‌کنند. به‌این‌ترتیب رقابتی برای رانت‌جویی درمی‌گیرد و حاضرند حتی بهای آن را هم بپردازند. مانند یک تصادف اتومبیل در جاده می‌ماند که از هزاران آن، یکی هم تصادف می‌کند. ما با یک سیستم نئوفئودالی روبه‌رو هستیم که به شکل نوینی رانت توزیع می‌کند. با زور و راهزنی هم نیست، به شکل قانونی است؛ قانونی که ناقص و در واقع به‌صورت جعل قانون وضع شده است. به‌این‌ترتیب روندی که تکرار می‌شود، مانند کانالی است که سست بسته شده و برای اینکه آب هرز نرود، به‌راحتی شکسته می‌شود و مسیر هرز آب را ادامه می‌دهد.

◣ ما با فساد متکثر و فراگیری روبه‌رو هستیم که عرصه‌های مختلف را درگیر کرده است، آیا این فساد فراگیر خود یک پیامد اقتصادی است؟

بحران یک اقتصاد نئوفئودالی به این صورت بروز پیدا می‌کند که مثال آن را می‌توان در بحثی که این روزها حول «ژن خوب» باب شده، دید. اول با شرمساری می‌گفتند «آقازاده» و خودشان را بابت پست و مقام‌ها توجیه می‌کردند اما اکنون به‌جای اینکه بگویند خون برتر یا فره ایزدی به ما رسیده، می‌گویند ما «ژن خوب» هستیم.

ادامه در صفحه ۵

ادامه از صفحه ۲

فربگی فرودستان

در همین ایام عده‌ای بی‌سروصدا از طبقه متوسط به بالا صعود کردند. روندی که از اوایل انقلاب آغاز شد و در دوره هاشمی سیر صعودی پیدا کرد و از آن دوران به بعد جامعه نه به نام که به معنا دارای طبقه بورژوا شد. همان طبقه‌ای که ستیز با آن موجب تولد جریانی سیاسی به‌نام اصولگرایی شد. اصولگرایان بیش از آنکه با منشوری حزبی روی کار بیایند، حلقه‌ای بودند با رویکردی سلبی؛ نه گفتن به هر پدیده‌ای که مظهر طبقه بورژوا بود. اصولگرایان با هوشی غریزی دریافته بودند که فربگی این گروه دردسرساز خواهد شد؛ خاصه اگر ساماندهی و هدایتشان دست آنان نباشد. تجربه انقلاب اسلامی و هراس از فربگی طبقات خرده‌بورژوا و بورژوا، حلقه سلبیون را متحد کرد. شاید خصومت اصولگرایان با آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی از این رهگذر باشد. اصولگرایان که اغلب از طبقات مرفه سنتی بودند، می‌دانستند رخدادهای سیاسی به‌نام مستضعفان صورت می‌گیرد نه به وسیله آنان. طبقه متوسط است که سودای تغییر جایگاه خویش را دارد. ازاین‌رو اصولگرایان، حامیان مستضعفان شدند. این حمایت بیش از آنکه رویکرد اقتصادی داشته باشد، سیاسی بود؛ وگرنه اصولگرایان خود در طبقات متوسط و مرفه سنتی جا خوش کرده بودند. مارکس و انگلس نیز طبقات اجتماعی دیگر را نادیده می‌گرفتند و بیش از هر چیز درصدد آگاهی و رهایی طبقه پرولتاریا بودند. مخالفت مارکس و انگلس با طبقه متوسط، مخالفتی استراتژیک بود؛ البته برای رهایی واقعی و نه‌فقط رسیدن به قدرت. آنان برای دستیابی به موفقیت نیاز به ایده و انسجام داشتند و تجلی این خواسته را در رهایی پرولتاریا می‌دیدند ولاغیر. اصرار و پافشاری مارکس و انگلس بر اهمیت پرولتاریا، بیش از آنکه یکسر اقتصادی باشد، سیاسی بود: «به نفع ماست و وظیفه‌مان است که انقلاب را به انقلاب مداوم تبدیل کنیم تا زمانی که همه طبقات کم‌وبیش دارا از قدرت برکنار شده باشند و پرولتاریا قدرت را تسخیر کرده باشد و نه‌فقط در یک کشور بلکه در تمامی کشورهای حاکم دنیا، تشکیلات پرولتاریا به آن حدی از پیشرفت رسیده باشد که بتوانند به رقابت پرولترها در این کشورها پایان دهند و در دستان خود حداقل نیروهای مولد تعیین‌کننده را متمرکز سازند. برای ما بحث بر سر تغییر مالکیت خصوصی نیست بلکه ازمیان‌برداشتن آن است؛ هدف ما پنهان‌کردن تضادهای طبقاتی نیست بلکه امحاء طبقات است؛ هدف ما بهبود جامعه موجود نیست، بلکه بنیان‌نهادن جامعه‌ای جدید است». بهبود جامعه یا بنیان‌نهادنِ جامعه جدید؟ این دو استعاره و انتخاب یکی بر دیگری، سویه‌ها و نتایج متفاوتی دارد. اصلاح‌طلبان با آگاهی از فربگی طبقه متوسط استراتژی بهبود جامعه را برخلاف ایده مارکس و انگلس برگزیدند و با مسامحه نقشی همچون سوسیال‌دموکرات‌های آلمان را برگزیدند، با این تفاوت که در اینجا از لاسال و کائوتسکی خبری نیست و هرچه هست فعالان سیاسی هستند که بیش از نظریه‌ای برای تغییر، به عمل باور دارند و قبل از تلاش برای بهبود جامعه درصدد راهیابی به قدرت‌اند؛ آن‌هم با توان طبقه متوسط که فربه شده بود و انتظارات بسیاری داشت. دوم خرداد اعلامِ حضور این طبقه و اصلاح‌طلبان است؛ اصلاح‌طلبانی که یک‌بار در قامت تکنوکرات‌ها روی کار آمدند و یک‌بار در قامت مصلحان سیاسی در دولت‌های هاشمی و خاتمی. آنان با این دو دولت نتوانستند به انتظارات واقعی این طبقه پاسخ دهند و رؤیاهایشان را محقق کنند. اینک شرایط با آن سال‌ها بسیار متفاوت است. جمعیت طبقه متوسط به‌دلایل اقتصادی رو به کاهش گذاشته و ریزش این طبقه به طبقات فرودست موجب فربگی طبقات فرودست شده است. ازاین‌رو با تسامح می‌توان گفت با سه طبقه مواجهیم؛ طبقه فرادست، با جمعیتی اندک و منابعی بسیار، طبقه متوسط نحیف و طبقه فربهِ فرودست. تلاقی ناگزیر طبقه فرودست و متوسطِ درهم‌آمیزی خطرناکی است. در حوادث دی‌ماه ۹۶ در یک هفته حدود ۱۰۳ شهر در اعتراضات شرکت کردند که از این میان ۶۸ درصد اعتراضات مربوط به مسائل معیشتی بوده است. با حضور طبقه متوسط در این اعتراضات، جامعه استعداد زیادی برای سیاسی‌شدن از خود نشان می‌دهد. شاید از همین رو بوده که مخالفان ایران استراتژی تسری آتش شومینه به خانه را در سر داشتند. بعید است در جامعه‌ای که طبقه فرودست آن فربه است، تغییری عقلانی صورت گیرد. شاید آنچه موجب خمودگی سیاسی جامعه شده از همین‌جا نشئت می‌گیرد که اصلاح‌طلبان مرجعیت تام‌وتمام خود را از دست داده‌اند و اصولگرایان هم دیگر نمی‌توانند از طبقات فرودست بی‌محابا دفاع کنند. دفاع اصولگرایان از طبقات فرودست بازی در جوار انبار باروت است. چگونه باید این شرایط آچمز را پشت سر گذاشت؟ جامعه بی‌تضاد، جامعه‌ای بدون کنش است و جامعه بدون کنش مستعد سوءاستفاده قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است؛ آن‌هم در شرایطی که طبقه متوسط بازهم به دلیل وضعیت اقتصادی نحیف‌تر از گذشته می‌شود و طبقه فرودست در تلاش برای بقاست. این وضعیت استراتژی ویژه‌ای را می‌طلبد؛ استراتژی‌ای که نیازمند تصمیم‌های قاطع و به‌موقع است.

*** در این یادداشت از کتاب «نه طبقه – نه متوسط» تألیف مراد ثقفی استفاده شده است که در آن به فاعلیت سیاسی گروه میانی جامعه در اندیشه سیاسی چپ و اهمیت آنها در وقایع مهم و بنیان‌گذار تمدن غرب می‌پردازد.**

NRC
NORWEGIAN REFUGEE COUNCIL

آگهی مناقصه

سازمان امور پناهندگی نروژی در نظر دارد احداث 152 واحد مسکونی در مهمانشهر رفسنجان در استان کرمان را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید. از شرکت های واجد صلاحیت دعوت می شود به آدرس وب سایت سازمان امور پناهندگی نروژی، به نشانی www.nrc.no/procurement مراجعه و اسناد مناقصه را به صورت رایگان دانلود نمایند. آخرین مهلت دریافت پیشنهادها توسط دفتر ان آر سی کرمان تاریخ ۹۸/۰۲/۰۲ ساعت ۵ بعد از ظهر می باشد. پیشنهاد های واصله بعد از تاریخ مذکور قابل پذیرش نخواهد بود.

Advertisement of tender

NRC is intended to give over construction of 152 Shelter Units in Rafsanjan Settlement, Kerman province through public tender. Hereby, it is invited from eligible companies to download tender documents by visiting NRC website www.nrc.no/procurement. The deadline for receiving the bid offers by NRC Kerman office is till 2019-04-22, 5:00 pm. Bids received after the mentioned date will not be considered.

www. sharghdaily . ir

قرارما
پرداخت به‌موقع عوارض
بهره مندی از جوایز خوش حسابی
مهلت پرداخت ۲۹ اسفندماه

(نوسازی - کسب و پیشه - مدیریت پسماند)